

بسم الله الرحمن الرحيم

مقارن ۸۹/۱۰/۱۲

موضوع: «غَسَل» یا «مَسَح» پاها، در وضو

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقيه الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با وضو بود که آیا آنچه مشروع است وضوی مسحی است یا وضوی غَسَلی؟! البته باید

عرض کنم این برنامه‌ها که دارد پخش می‌شود تأثیرات خوبی دارد.

همین دیشب یکی از افراد خیلی محترم و مُعَنَوَن از اهل سنت سیستان و بلوچستان زنگ زده بود و تحت تأثیر همین بحثها بود. او می‌گفت: بنده از این به بعد وقتی که وضو می‌گیرم مسح می‌کشم. بعضی از افراد به من اعتراض می‌کنند و می‌گویند مگر شیعه شده‌ای که مسح می‌کشی!؟

ایشان می‌گفت: یک دلیل محکم از کتاب‌های خودمان برایم بیاور که بتوانم آن‌ها را قانع کنم و بگویم که مسح کشیدن در کتاب‌های خودمان آمده است. بنده گفتم: بهترین دلیل همان روایت «بخاری» است که به صراحت می‌گوید:

«فَجَعَلْنَا نَمْسُحُ عَلَى أَرْجُلِنَا»

و بر پاهای خود مسح می‌کشیدیم.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۱، ص

۳۳، ح ۶۰

این مسئله خیلی واضح و روشن است. همچنین صحابه از جمله امیرالمؤمنین، «عثمان»، «ابن عباس»، «قتاده» و دیگران به هنگام وضو گرفتن مسح می‌کشیدند. این روایات، روایتی است که با سندهای معتبر در کتاب‌های اهل سنت آمده است.

و توجیهاتی هم که آقایان دارند توجیهات غیر اساسی و غیر اصولی است که نه مستند به کتابی است، نه مستند به دلیلی است، نه مستند به برهانی است و نه مستند به سنتی است!

آن‌ها ادعا می‌کنند علی رغم اینکه روایات متعددی وجود دارد که نشانگر مشروعیت مسح بر پاها است، ولی مراد از این مسح‌ها «غسل خفیف» است!! این ادعاها حرف‌هایی است که بیشتر به افسانه شبیه است تا حقیقت.

الحمدلله این بحث‌ها اثرات خودش را دارد. حال ان‌شاءالله ما یک تلخیص بندی هم در آخر داریم. ما تمام بحث‌هایمان را در یک صفحه درمی‌آوریم و ان‌شاءالله عصاره بحث را در اختیار عزیزان قرار می‌دهیم که برای حفظ کردن داشته باشند.

این بحث‌ها باید کاملاً حلاجی بشود تا انسان در مناظرات بتواند از این مباحث استفاده کند. علاوه بر این مقداری تمرین علمی است که در دیگر موارد هم ما باید این چنین وارد شویم. یعنی اگر دوستان چندین موضوع را به این شکل که ما درباره وضو یا موارد و مسائل دیگر آورده‌ایم و نقد و بحث کردیم، وارد شوند تقریباً ملکه ورود و خروج به موارد اختلافی در اختیارشان قرار می‌گیرد.

یکی از کسانی که قائل به مسح بوده و از دیدگاه علمای اهل سنت جایگاه ویژه‌ای دارد «عکرمه» است. «عکرمه» غلام «ابن عباس» بوده و خودش اهل مدینه بوده است. «ابو عبدالله المدنی مولی ابن عباس» که علمای اهل سنت در مورد او می‌گویند:

«کان من علماء زمانه بالفقه والقرآن»

در فقه و قرآن، از علمای عصر خودش بوده است.

بعضی افراد همانند «جابر بن زید» در مورد او می‌گویند:

«عكرمة من أعلم الناس»

عكرمه از آگاهترین مردم است.

تهذيب التهذيب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر: دار

الفكر - بيروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۷، ص ۲۴۰، ح ۴۷۶

البته ما چنین عقیده‌ای نسبت به «عكرمه» نداریم. ما «عكرمه» را انسانی نادرست، كذاب، دروغگو می‌دانیم كه ناشر افكار خوارج بوده است. حال بنده بعد از اتمام این مباحث اشاره‌ای به نظر خودمان نسبت به «عكرمه» خواهم داشت.

البته بد نیست همین جا عرض کنیم؛ مشاهده کنید آقای «مزى» در كتاب «تهذيب الكمال» وقتی به شرح حال «عكرمه» می‌رسد، می‌گوید:

«إن عكرمة كذاب يحدث غدوة حديثاً يخالفه عشية»

عكرمه دروغگو بود. او صبح حدیثی را می‌گفت و غروب همان حدیث را تكذیب می‌کرد.

تهذيب الكمال، اسم المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج المزى، دار النشر: مؤسسة الرسالة

- بيروت - ۱۴۰۰ - ۱۹۸۰، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج ۲۰، ص ۲۸۶، ح ۴۰۰۹

این روایت در کتاب «تهذیب التهذیب» جلد هفتم صفحه ۲۳۷ و کتاب «سیر اعلام النبلاء» جلد پنجم، صفحه ۲۸ هم وارد شده است. اصلاً خود «عکرمه» تقریباً ضرب المثل بوده است. نقل شده است روزی راوی می‌گوید:

«دخلت على بن عبد الله بن عباس وعكرمة مقيد على باب الحش»

دیدم عبدالله پسر ابن عباس در باغی است و در آنجا عکرمه را به زنجیر بسته است.

«قلت: ما لهذا كذا؟»

گفتم: چرا او را به زنجیر بسته‌اید؟

«قال: إنه يكذب على أبي»

او از قول پدرم حدیث دروغ نقل می‌کند.

تهذیب الکمال، اسم المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج المزي، دار النشر: مؤسسة الرسالة

– بيروت – ۱۴۰۰ – ۱۹۸۰، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج ۲۰، ص ۲۸۰، ح ۴۰۰۹

همچنین «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «تهذیب التهذیب» جلد ۷ صفحه ۲۳۸ و «ذهبی» در کتاب «سیر اعلام النبلاء» جلد ۵ صفحه ۲۳ همین داستان را نقل می‌کند. همچنین در جای دیگری نقل شده است که «عبدالله بن عمر» به غلامش «نافع» می‌گفت:

«لا تكذب على كما كذب عكرمة على ابن عباس رضى الله تعالى عنهما»

مبادا به من دروغ بگویی همان طور که عکرمه به مولایش دروغ می‌بست.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی – بیروت، ج ۱، ص ۸، باب بسم الله الرحمن الرحيم

مشاهده می کنید که دروغگویی «عکرمه» ضرب المثل بوده است. در کتاب «تهذیب التهذیب» جلد هفتم صفحه ۲۳۸ همین مطلب وارد شده است. همچنین «سعید بن مصیب» که از اعلام اهل سنت هست، به غلامش می گفت:

«ولا تكذب على كما كذب عكرمة على بن عباس»

مبادا به من دروغ ببندی همانطور که عکرمه بر ابن عباس دروغ می بست.

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار

الفکر - بیروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۷، ص ۲۳۷، ح ۴۷۶

این روایت همچنین در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد پنجم صفحه ۲۲ نقل شده است! باز هم در کتاب «تهذیب التهذیب» جلد ۷ صفحه ۲۳۷ نقل شده است که «عکرمه» از خوارج بوده و در شرح حالش گفته شده که وقتی «عکرمه» وارد مصر شد خوارج دور او را گرفتند، مسائل را از او یاد می گرفتند و او آرای خوارج را در میان مردم منتشر می کرد.

ما نسبت به «عکرمه» مطالب زیادی داریم. به عنوان مثال در کتاب «تاریخ دمشق» جلد ۴۱ صفحه ۹۴ و «تهذیب کمال» جلد ۲۰ ص ۲۸۴ نقل شده است:

«عكرمة فقال كان قليل العقل»

عکرمه آدم کم عقلی بوده است.

تاریخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، اسم المؤلف: أبي القاسم علی بن

الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین

أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۱، ص ۹۴، ش ۴۷۴۳ عکرمة

خود «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد ۵ صفحه ۲۷ نوشته است که اصلاً «عکرمه» نماز نمی‌خواند. مشخص است روایت کسی که اهل نماز نبوده چطور است. البته در مورد «عکرمه» در بعضی از تعابیر «لا یحسن الصلاة» و در بعضی از تعابیر «لا یصلی» وارد شده است.

ایشان با تمام این احوالات وضو می‌گرفت. او همانند کسی است که روزه نمی‌گرفت، اما سحری می‌خورد. گفتند: تو که روزه نمی‌گیری چرا سحری می‌خوری؟! گفت: اگر سحری هم نخورم بی‌دین لامذهب هستم دیگر!! البته بعد از قضایایی که نسبت به امیرالمؤمنین پیش آمد این افراد مقداری موضع گرفتند و از روی بغض نسبت به علی بن ابی طالب مطالبی را مطرح کردند.

حالا ما کاری به این مواضع نداریم و تنها از باب قاعده الزام که می‌گوید: «الزمهم بما یلزمون به أنفسهم»؛ این استفاده‌ی مسح در وضو را می‌خواهیم استفاده کنیم. به قول آقایان که در مورد «عکرمه» گفتند: «علماء زمانه بالفقه و القرآن» و یا «من اعلم الناس» ما می‌خواهیم ببینیم که او در مورد وضو چه دارد!؟

خداوند همه ما را از لغزش‌ها حفظ کنند. وقتی حضرت یوسف (علیه السلام) با آنکه در مبارزه با نفس مدال قهرمانی را کسب کرد و اگر قرار است مدال قهرمانی به کسی بدهند اولین مدال به حضرت یوسف داده می‌شود. حضرت یوسف با وجود آن مبارزات و موفقیت‌ها می‌گوید:

(إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالشُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي)

نفس (سرکش)، بسیار به بدی‌ها امر می‌کند مگر آنچه را پروردگارم رحم کند.

سوره یوسف (۱۲): آیه ۵۳

از خداوند عالم بخواهیم که عاقبتمان را ختم بخیر کند.

در هر صورت «طبری» در کتاب «تفسیر» خود جلد ۶ صفحه ۱۲۹ می‌نویسد:

«عن عكرمة قال ليس على الرجلين غسل»

بر روی پا نباید شستشویی انجام بگیرد.

«إنما نزل فيهما المسح»

آنچه در وضو نازل شده مسح پا است.

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠٥، ج ٦، ص ١٢٩، باب المائدة: (٦) يا أيها الذين

آقای «علامه بدرالدين عيني» در كتاب «عمدة القارى» جلد ٢ صفحه ٢٣٨، آقای «ابن عطيه أندلسى» در كتاب

«المحرر الوجيز» جلد ٢ صفحه ١٦٣، آقای «قرطبى» در كتاب تفسير خود جلد ٦ صفحه ٩٢ و آقای «شوكانى»

در كتاب «فتح القدير» خود جلد ٢ صفحه ١٨ از «عكرمه» نقل کرده‌اند كه در پا، مسح نازل شده است. باز هم

آقای «طبرى» در كتاب «تفسير طبرى» جلد ٦ صفحه ١٢٩ می‌گوید:

«حدثني من صحب عكرمة إلى واسط قال فما رأيته غسل رجليه»

كسى كه تا واسط همسفر «عكرمه» بود، گفت: من ندیدم به هنگام وضو گرفتن پایشان را شسته باشند.

«إنما يمسخ عليهما حتى خرج منها»

با اینکه از واسط بیرون بیایند پایشان را مسح می‌کشیدند.

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠٥، ج ٦، ص ١٢٩، باب المائدة: (٦) يا أيها الذين

این روایات صراحت دارد بر اینکه صحابه با آن همه مباحثی که داشتند بر «[إنما نزل فيهما المسح](#)» مقید بودند. حال اگر ایشان در خانه نماز هم نمی‌خواند و در سفر بود به خاطر اینکه رعایت حال دیگران را کند نماز می‌خواند. او اگر نماز هم نمی‌خواند حداقل وضو می‌گرفت!! در هر صورت یکی از کسانی که مقید بوده و آقایان اهل سنت در کتاب‌های معتبرشان نقل کرده‌اند «عکرمه» است.

فرد دیگری که اهل سنت روی او مانور می‌دهند و از شخصیت‌های برجسته و تابعین است «قتاده بن دعامه» است. در کتاب «[صحیح بخاری](#)» و «[صحیح مسلم](#)» روایات زیادی از ایشان آمده است. اضافه بر اینکه وثاقت ایشان متفق علیه است از «ابو زرعه» نقل شده است:

«قتاده من أعلم أصحاب الحسن»

قتاده از عالم‌ترین اصحاب حسن بصری بوده است.

تهذیب الکمال، اسم المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج المزني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۰۰ - ۱۹۸۰، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج ۲۳، ص ۵۱۶، ح ۴۸۴۸

«ابوحاتم» که اسم فاعل است نه «حاتم»؛ می‌گوید:

«أثبت أصحاب أنس: الزُّهري، ثم ثابت، ثم قتادة»

دقیق‌ترین اصحاب انس بن مالک، زهری (متوفای ۱۲۴ هـ)، ثابت و قتاده بوده است.

تهذیب الکمال، اسم المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج المزني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۰۰ - ۱۹۸۰، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج ۴، ص ۳۴۷، ش ۸۱۱

بعضی افراد در مورد «قتاده» می‌گویند:

«كان من علماء الناس بالقرآن والفقه»

قتاده از عالم‌ترین مردم به قرآن و فقه بوده است.

تهذيب التهذيب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر: دار

الفكر - بيروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۸، ص ۳۱۸، ش ۶۳۷

همچنین «ابن جریر طبری» در «تفسیر طبری» که یکی از معتبرترین تفاسیر اهل سنت است مطلبی آورده است. «ابن تیمیه» می‌گوید: «تفسیر طبری» از تفاسیری است که می‌شود به روایات آن اعتماد کرد. «طبری» در جلد ۶ صفحه ۱۲۹ وقتی آیه شریفه:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ
أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپاخواستید صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوئید و سر و پاها را تا مفصل (یا برآمدگی پشت پا) مسح کنید.

سوره مائده (۵): آیه ۶

را نقل می‌کند، می‌گوید:

«افترض الله غسلتين ومسحتين»

خداوند دو شستشو (صورت و دست) و دو مسح (سر و پاها) را واجب کرده است.

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۲۹، باب المائدة: (۶) يا أَيُّهَا الَّذِينَ ...

همچنین آقای «قرطبی» که از ایشان به «امام قرطبی» تعبیر می‌شود و بارها عرض کردیم که کتاب «تفسیر» او عصاره تفاسیر ۶ قرن صدر اسلام است، می‌گوید:

« وقال قتادة: افترض الله غسلين ومسحتين »

خداوند دو شستشو و دو مسح واجب کرده است.

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب

– القاهرة، ج ۶، ص ۹۲

همین تعبیر را «بدرالدین عینی» در کتاب «عمده القاری» جلد ۲ صفحه ۲۳۸، «ابن عطیه اندلسی» در کتاب تفسیر «المحرر الوجیز» جلد ۲ صفحه ۱۶۳ و «علامه شوکانی» در کتاب «فتح القدیر» جلد ۲ صفحه ۱۸ از «قتاده» نقل می‌کند.

فرد دیگری که آقایان اهل سنت روی آن مانور می‌دهند آقای «حسن بصری» است که یکی از زهاد ثمانیه بوده است. وی از فقهای تابعین است و آقایان اهل سنت برای او ارزش ویژه‌ای قائل هستند. او تقریباً ۲۱ سال هجری دو سال مانده به اتمام خلافت عمر به دنیا آمد و در ماه رجب سال ۱۱۰ هجری هم از دنیا رفته است. ایشان جزء تقویت کنندگان دولت بنی امیه و کاتب والی خراسان «ربیع بن زیاد» بوده است. حتی بعضی افراد گفته‌اند:

« لولا لسان الحسن و سيف الحجاج لوئدت الدولة المروانية في مهدها »

اگر شمشیر حجاج و زبان حسن بصری نبود، دولت بنی مروان در نطفه خفه می‌شد و زیر خاک می‌رفت.

مع الله دراسات في الدعوة والدعاة؛ المؤلف: محمد الغزالي؛ الناشر: دار نهضة مصر؛ الطبعة: الأولى؛ ص

۱۳۸

البته ایشان بعضاً از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تحت عنوان «ابو زینب» روایت نقل می‌کرد؛ که البته رعایتاً
للتقیه بود!!

آقایان می‌توانند کتاب «طبقات المفسرین» جلد ۱ صفحه ۱۵۰، کتاب «حلیة الأولیاء» اثر «ابن نعیم اصفهانی»
جلد ۲ صفحه ۱۳۱، کتاب «طبقات الفقهاء شیرازی» صفحه ۶۸، کتاب «تهذیب التهذیب» اثر «ابن حجر» جلد ۲
صفحه ۲۳۱ و کتاب‌های متعدد دیگر را ببینند.

«مرحوم شیخ عباس قمی» یکی از علمای شیعه وقتی ایشان را نقل می‌کند، می‌نویسد:

«كان الحسن أحد الزهاد الثمانية»

حسن یکی از زهاد هشت‌گانه بود.

«وكان يلقي الناس بما يهوون ويتصنع المرئاسة»

او با مردم مدارا می‌کرد و تلاش می‌کرد که خود را به ریاست برساند و تقریباً خود را به رئیس می‌زد.

«وكان رئيس القدرية»

او رئیس قدریه‌ها در عصر خودش بود.

الكنى والألقاب، نویسنده: الشیخ عباس القمی، ج ۲، ص ۸۴، باب البصری

در هر صورت او نزد آقایان اهل سنت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و قبل از آنکه مذاهب اربعه اهل سنت جا
ببفتد یکی از مذاهب فقهی رسمی اهل سنت، مذهب فقهی «حسن بصری» بوده است.

در رابطه با ایشان آقای «ابن ابی شیبه» استاد «بخاری» در کتاب «مصنف ابن ابی شیبه» جلد ۱ صفحه ۲۵ نقل می‌کند:

«عَنِ الْحَسَنِ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِنَّمَا هُوَ الْمَسْحُ عَلَى الْقَدَمَيْنِ»

آنچه واجب است مسح کشیدن بر روی پاها است.

«وكان يقول يمسح ظاهرهما وباطنهما»

زمانی که خود او وضو می‌گرفت هم روی پا و هم زیر پا را مسح می‌کشید.

کتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ۱۴۰۹، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ۱، ص ۲۵، ح

۱۷۹

این روایت علاوه بر کتاب «المصنف ابن ابی شیبه» در کتب دیگری نقل شده است. آقای «ابن کثیر دمشقی» در کتاب تفسیر خود جلد ۲ صفحه ۲۷، «ابن حزم اندلسی» در کتاب «المحلی» جلد ۲ صفحه ۵۶ و «جصاص» در «احکام القرآن» جلد ۲ صفحه ۳۴۵ نقل می‌کند.

البته بعضی از آقایان هم از ایشان نقل می‌کنند که ایشان می‌گفت: ما در آیه وضو، هم می‌توانیم «ارجلکم» بخوانیم و هم «ارجلکم» بخوانیم. هم می‌شود مسح کشید و هم می‌شود شُست. هر نمازگزاری مخیر است بین اینکه مسح بکشد یا پای خود را به هنگام وضو گرفتن بشوید. هر دو مسقط تکلیف است.

این مطلب از «علامه بدرالدین عینی» در کتاب «عمدة القاری» جلد ۲ صفحه ۲۳۸ و همچنین «شوکانی» در کتاب «نیل الاوطار» جلد ۱ صفحه ۱۶۸ و کتاب‌های متعدد دیگری نقل شده است.

یکی دیگر از افرادی که آقایان نقل کرده‌اند که او هم قائل به مسح بوده است نه قائل به غسل، «ابومالک اشعری» صحابه پیامبر است. تعبیر «ابن اثیر جزری» در کتاب «أسد الغابه» جلد ۵ صفحه ۲۸۸ این است:

«له صحبة»

أسد الغابة في معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد الجزري، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان - ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل

أحمد الرفاعي، ج ۵، ص ۲۸۸، ح ۵۱۰۹

در کتاب «تهذيب الكمال» اثر «مزى» جلد ۳۴ صفحه ۲۴۵ وارد شده است:

«أبو مالك الأشعري، له صحبة. رَوَى عَنِ النَّبِيِّ»

تهذيب الكمال، اسم المؤلف: يوسف بن الزكى عبدالرحمن أبو الحجاج المزى، دار النشر: مؤسسة الرسالة

- بيروت - ۱۴۰۰ - ۱۹۸۰، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج ۳۴، ص ۲۴۵، ح ۷۵۹۸

بنده روایتی در کتاب «مسند احمد بن حنبل» پیدا کرده‌ام. غالباً کسانی که در متن نوشتند به روایات «ابو مالک

اشعری» اشاره نکرده‌اند. «احمد بن حنبل» نقل می‌کند که «ابو مالک اشعری» تعدادی از اقوامش را جمع کرد

و گفت:

«اجْتَمِعُوا أَصْلَى بِكُمْ صَلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ»

جمع شوید تا برای شما نماز پیغمبر را بخوانم.

«فَلَمَّا اجْتَمَعُوا قَالَ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ مِنْ غَيْرِكُمْ»

وقتی که جمعیت جمع شدند، گفت: آیا غیر خودی هم در میان شما هست؟

مشاهده کنید یک صحابه پیغمبر می‌خواهد نماز پیغمبر و وضوی پیغمبر را بخواند، اما از حکومت وحشت دارد!!
ببینید بنی امیه چه جو اختناق‌آمیزی ایجاد کرده بودند.

«قالوا لا الا بن أُخْتٍ لَنَا»

یکی از حاضران گفت: خواهرزاده‌ام اینجاست که از فامیل‌های من است.

«قال بن أُخْتِ الْقَوْمِ مِنْهُمْ»

خواهرزاده‌ها جزء قوم هستند.

او ظرف آبی خواست و شروع به وضو گرفتن کرد.

«فَتَوَضَّأَ وَمَضْمَضَ وَاسْتَنْشَقَ وَغَسَلَ وَجْهَهُ ثَلَاثًا وَذَرَأَعِيهِ ثَلَاثًا ثَلَاثًا»

سپس می‌گوید:

«وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ وَظَهَرَ قَدَمَيْهِ»

سر و روی پایش را مسح کشید.

«ثُمَّ صَلَّى بِهِمْ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۵، ص ۳۴۲، ح ۲۲۹۴۹

این نماز، نماز مفصلی است که آقایان می‌توانند در کتاب «مسند احمد بن حنبل» جلد ۵ صفحه ۳۴۲ آن را مشاهده کنند.

مراد ما از این روایت این است که ایشان وقتی می‌خواهد نماز پیامبر را بخواند، وضوی پیامبر به مردم نشان بدهد، می‌گوید:

«وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ وَظَهَرَ قَدَمَيْهِ»

آقای «طبرانی» تقریباً با هفت یا هشت سند این قضایا را از آقای «ابومالک اشعری» نقل می‌کند. تقریباً شش یا هفت سند در کتاب «معجم الکبیر» اثر «طبرانی» جلد ۳ صفحه ۲۸۰ و ۲۸۱ نقل شده است.

این مطالب آنچه که ما توانستیم برای شما بیابیم بود. البته افراد دیگری هم هستند دیگر ما از آنها صرف نظر می‌کنیم.

این روایات نمونه‌هایی بود از نظرات صحابه، تابعین، اتباع تابعین و فقهای بزرگ اهل سنت که معتقد بودند قرآن به مسح نازل شده است، نه به غَسَل. و خودشان هم به هنگام وضو گرفتن مسح می‌کشیدند.

جالب این است که تعبیر آقای «عبدالرزاق صنعانی» در کتاب «المصنف» جلد ۱ صفحه ۱۹ حدیث ۵۴ این است که آنجا فردی از «مطر وراق» سؤال می‌کند:

«من کان یقول المسح علی الرجلین؟»

چه کسی گفته موقع وضو گرفتن پیامان مسح بکشیم؟

«فقال فقهاء کثیر»

در جواب گفت: فقهای زیادی می‌گویند که موقع وضو گرفتن ما باید مسح بکشیم.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بکر عبد الرزاق بن همام الصنعانی، دار النشر: المكتب الإسلامی - بیروت -

۱۴۰۳، الطبعة: الثانية، تحقیق: حبيب الرحمن الأعظمی، ج ۱، ص ۱۹، ح ۵۴

این در حقیقت عصاره ادله ما بر مسح پا به هنگام وضو بود. ما روایت «صحيح بخارى» و «صحيح مسلم» را آوردیم. وضوى پيغمبر را آوردیم. وضوى اميرالمؤمنين را با سندهاى متعدد آوردیم. وضوى عثمان را آوردیم. همچنين وضوى صحابه مثل همانند «ابن عباس»، «انس بن مالك»، «قتاده»، «ابو مالك اشعري»، «عكرمه» و ديگران را آوردیم مبنى بر اينكه همگى به مسح در وضو قائل بودند و خودشان هم ملتزم بودند به هنگام وضو گرفتن مسح مى‌كشيدند.

ما در جلسه بعد يك تكه‌هاى از فقهاى بزرگ اهل سنت عرض مى‌كنيم، بعد به ادله اهل سنت براى غسل پا مى‌رسيم تا ببينيم اين افراد در برابر انبوه رواياتى كه «ابن كثير» مى‌گويد: "آثار عجيب و غريب" در برابر اين همه ادله‌اى كه براى شستشوى پا دارند چيست؟

والسلام عليكم ورحمة الله و بركاته